

به خود آید حادثه در پیش است

هم میهنان!

اصلی است ابتدایی در جهان ملت های آزاد و دولتهای مردم سالار که منافع ملی، سود و صلاح ملت و میهن، سیاست خارجی و روابط متقابل بین دولتها و کشورها را جهت دهی می کند و باز گفته می شود برای نیل به منافع ملت و گزینش راهی درست هیچ آموزگاری بهتر از تاریخ هر ملت نمی تواند یاری ده باشد پس از تاریخ بشنویم و سپس راه آینده مان را برگزینیم تا دوست را از دشمن بهتر باز شناسیم.

در این بررسی کوتاه نقش هم پیمان احتمالی هسته ای جدید کاربدستان جمهوری اسلامی، اتحاد جماهیر شوروی (روسیه کنونی) در فراز و فرودهای تاریخ معاصر ایران (که از این هم پیمانی احتمالی به عنوان پیروزی خیره کننده و اوج دیپلماسی هسته ای نام می برند) قابل توجه است.

فراموش نکنیم چه کسی را دوست می انگاریم ، او کسی است، آنگاه که منافع ملی اش ایجاب کرد مجلس ملی ایران را به توپ بست. او کسی است که از در دوستی در آمد و چشم طمع به سرزمین ایران داشت. او کسی است، آنگاه که از جانب قدرت های بزرگ زمان فراغت یافت، لشکرهای خود را به سمت شهرهای ایران روانه کرد و با توجه به ناشایستگی رهبران و دولتمردان بخشی از خاک میهن ما را به خاک خود ضمیمه کرد و حتی هزینه ی لشکرکشی های خود را نیز از کیسه ملت ما دریافت نمود.

این دوست امروز کسی است که عهدنامه های ننگین گلستان و ترکمنچای را که از سیاه ترین برگ های تاریخ میهن ماست بر ما تحمیل کرد، این هم پیمان جدید کسی است که در تمام طول تاریخ معاصر واکنش هایی منفی نسبت به پا گرفتن آزادی و نهادینه شدن حکومت ملی در ایران داشته که همگی ریشه در منافع ملی آنان داشته است. این هم پیمان مشترک آتی در امر غنی سازی کسی نیست جز حامی قدیمی حکومت های وابسته، ضعیف، بریده از مردم و دیکتاتوری حاکم بر ایران، آن "دوست جدید" از دیرباز برای ایرانیان همسایه غیر قابل اعتماد و گرگی در پوستین شبان بوده است و با نگاهی به تاریخ دوپست ساله ی اخیر نه تنها هیچ گاه دوست ملت ما نبوده بلکه همواره بزرگترین تهدید برای ثبات، استقلال و آزادی سرزمین ما بوده است. چشم داشت آنان در دوره صدارت حاج میرزا آقاسی بر صفحات شمال کشورمان، و همدستی و سکوتشان در قتل فرزند خلف ملت امیرکبیر از یادها نخواهد رفت و پس از انقلاب بلشویکی در روسیه و ظهور اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی با وجود طرح شعارهای جهان وطنی و نفی استثمار، استعمار، و سلطه طلبی باز هم دیپلماسی روس ها تغییر نکرد و راه و رسمشان بر همان روش گذشته که تنها اندیشیدن به منافع ملی خود بود ادامه یافت. از آن جمله تقسیم ایران به سه منطقه نفوذ جداگانه و اشغال نظامی شمال ایران، تحریک به تجزیه طلبی در مناطق آذربایجان و کردستان، سرکوب آزادیخواهان و وطن پرستان در سالهای نخستین قرن چهاردهم خورشیدی از دیگر صفحه های تاریخ عملکرد این "دوست" جدید است. در نهضت جنگل و خیانت آنها به کوچک خان و نقش غیرقابل انکار روس ها و دست نشاندهگان آنان در شکست دولت ملی دکتر محمد مصدق و سلطه دوباره استبداد سلطنت بر میهن مان رد پای روس ها به خوبی آشکار است.

پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ و عدم حضور آمریکا در ایران، روس ها بازی خود با به صورت گرگ در پوستین شبان آغاز کردند و کیسه ها اندوختند، با طرح توطئه ها و زمینه چینی ها، فرزندان میهن را به کج راهه برده، آنان را بدنام و عده ای را از پا در آوردند و در ظاهر متحد استراتژیک ایران شدند و در باطن با آمریکا همسویی منافع داشتند، به طوری که لازم است اشاراتی به بخش هایی از آن بشود.

۱- حمایت تسلیحاتی روس ها از عراق

در جریان هشت سال جنگ عراق علیه ایران که روس ها بازار تسلیحاتی خود را رونق بخشیدند، آنچه نصیب مردم ما شد گلوله بود و موشک و بمب روسی که نشان USSR بر خود داشتند. این حمایت چنان بود که در طول سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۸ عراق مبلغ ۸۴ میلیارد دلار اسلحه از روسیه خریداری کرد که بیش از نیمی از این مبلغ مربوط به تانک های T72 و موشکهای اسکاد روس بوده است ولی چه نصیب ملت ما شد، نیمی از میهن مان تخریب و بیش از میلیون ها نفر از بهترین فرزندان میهن شهید و تن آسیب دیده و میلیون ها نفر بی خانمان و آواره شهر ها شدند.

۲- در دریای مازندران

پهنه ی دریای مازندران نیز صحنه ی رویارویی مستقیم روس ها و ایران در تعیین رژیم حقوقی این دریاست. این امر در حالی است که روس ها با زیرکی ویژه خود در ابتدا به دنبال موافقت های دوجانبه با آذربایجان و قزاقستان به طور جداگانه، بدون توجه به سهم ایران (که به طور مشاع با شوروی بر تمامی دریای مازندران حاکمیت داشته است) بودند. این "**دوستان تازه از راه رسیده**" متعقد به تقسیم دریا در بستر و مشاع در سطح هستند، به این ترتیب کمترین سهم ممکن در میان ۵ کشور حاشیه دریای مازندران نصیب ایران می شود جالب است **با این همه نماینده این شریک آتی هسته ای ایران باز هم همواره از زیاده خواهی ایران سخن می گوید، گویی هزینه فروپاشی شوروی باید هم چون زمان های پیش از کیسه ملت ایران پرداخته شود.** از این روست که باور کنیم **این همان دشمنی است که بود تنها پنجه هایش را رنگ آمیزی کرده است.** با دریغ ناکارآمدی و انحصارطلبی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی چنان عمل کرده و می کند که اگر به این منوال پیش رود نامی از دریای مازندران نیز نخواهد ماند و از طرفی این دشمن دوست نما بر آنست به بهانه ی مقابله با چچن منطقه و دریای مشاع را نظامی کند و از سویی و مهمتر از همه این که با دعوت از آمریکا برای حضور بر سر سفره ی گسترده ی این دریا، همسویی این دو بیشتر آشکار می شود ولی با اندوه کاربدستان خود را به کوچکی علی چپ زده که انشالله گربه است و یکی را دوست و دیگری را دشمن می انگارند، باید متوجه بود که وجود این دو به همراهی انگلیس و تشریک مساعی آنها تهدید کننده ی استقلال ایران خواهد بود و در این همسویی کاربدستان جمهوری اسلامی مسئولند.

۳- انرژی

روسیه با توجه به دارا بودن منابع بیکران انرژی که از عوامل اثرگذار بر بازار است و در بازار جهانی گاز نیز این غول در برابر بازارهای ایران عرضه اندام می کند و نقش تعیین کننده در زمینه ی خطوط انتقال گاز ایران به ترکیه، یونان و اروپا در پس دیپلماسی فعال روس ها با ۲۷% ذخایر گازی دنیا قرار دارد. بدون شک یکی از مهم ترین دلایل بهانه جویی ترک ها در عدم تحویل گاز ایران، کارشکنی روس ها بوده است، فراموش نکنیم روسیه با توجه به داشتن منابع فراوان گاز، ایران را رقیبی جدی در بازار جهانی امروز می داند، از این رو همواره کوشیده است تا جای پای برای حضور خود در بازار شبه قاره هند هم بیابد و این امر نیز عرصه ای دیگر از تضاد منافع روسها با ماست. جالب است بدانیم که این دوست جدید و هم پیمان هسته ای احتمالی آتی کاربدستان جمهوری اسلامی که او را متحد استراتژیک خود می دانند **بدون اجازه ی آمریکا آب هم نمی نوشد.**

در ایران پس از انقلاب به دنبال درگیری با آمریکا و گرفتن سفارت آمریکا و پیامد های آن از جمله تحریم اقتصادی و صنعتی آمریکا علیه ایران، شرایط ویژه ای را چون مانده ای آسمانی پیش روی روس ها قرار داد و آنها را شریک بی رقیب در عرصه های گوناگون کرد. از فروش تکنولوژی از رده خارج شده خود به ایران گرفته که با نگاهی به رویدادهای هوایی ایران در سالهای اخیر به نام های **تکراری توپولف، ایلوشین، آنتونوف، و سوخوی** برای ایرانیان دیر آشنا نیست و یا فروش ماشین آلات فرسوده ی بلوک شرق به سوی کارخانجات ما سرازیر شد ولی خود به بازسازی صنایع خود بر اساس صنعت غرب پیش رفتند و یا از نظر دور نداریم که خطوط هواپیمایی روسیه و کشورهای مشترک المنافع آنها در راستای بهره گرفتن از هوا پیمایهای بوتینگ و ایرباس در خطوط خود هستند و هم زمان تکنولوژی فرسوده خود را به سمت ایران گسیل کرده و می کنند، و بیش از ۸۰ درصد قطعات "**آنتونوف ۱۴۰**" که همان هواپیمای "**ایران ۱۴۰**" است به آن افتخار می کنند، توسط روسها تامین می شود(این هم، هم پیمانی و دوستی شاید از نوع روسی است) سفارش را ما می دهیم که خود کفا شده ایم، سقوطش را مردم ما متحمل می شوند، سود سرشارش را روس ها می برند. از این رهگذر بیش از سد شرکت روسی و اکرایی زنده شدند.

۴- انتقال دانش هسته ای

روس ها سالهاست برای تکمیل نیروگاه هسته ای بوشهر تعلل می کنند چون چشم به دهان آمریکا دوخته اند و در این سالها حرکات خود را بنا بر سناریویی که آمریکا می نویسد تنظیم کرده و می کنند.

پس از پیروزی انقلاب برای ادامه تکمیل نیروگاه به ناچار ایران دست نیاز به سوی روسیه دراز کرد و روس های فرصت طلب که گرفتار تعطیلی کارخانه های خود بودند، در ظاهر بدون توجه به اخطارهای آمریکا بنای همکاری با ایران را گذاشتند و توانستند گذشته از بیست هزار شغل برای شهروندان روسی، اهرم بسیار مناسبی برای گرفتن امتیاز از ایران و آمریکا به دست آورند.

موضع گیرهای دوگانه روس ها که پس از سالها هنوز هم کاربدستان جمهوری اسلامی از آن گویی بی اطلاعند در گفتگوی وزیر انرژی روسیه با خبر گزاری آسوشیتدپرس مشاهده می شود که منافقانه دو دوزه بازی می کند و می گوید: هر چند روسیه برای ساختن یک نیروگاه هسته ای به ایران کمک می کند ولی ایران روسیه را

از دیگر پروژه های مخفی خود مطلع نکرده است و یا اعلام می دارد: " وضعیت به وجود آمده در ایران نگران کننده است."

اما همین روس ها در گفتگو های دو جانبه با ایران به گونه ای دیگر می گویند و از علاقه خود به راه اندازی واحدهای دیگر سخن می رانند و این در حالی است که هنوز نیروگاه بوشهر در گیرودار امروز و فردا کردن روس ها روزگار بیهوده می گذارند و اگر هم امروز تکمیل شود دیگر اقتصادی نخواهد بود. چندی پیش بخش محاسبات روسیه از اختلاس چندین میلیون دلاری و تعلل در ساخت نیروگاه بوشهر سخن گفته است. آیا اگر ملت از آن موارد مطلع می بود باز روس ها را به شراکت بر می گزید؟

روس ها به دفعات از تحویل تجهیزات، امضای قراردادهای و اجرای پروژه های مورد تعهد خود سر باز زده اند. با توجه به سابقه دیپلماسی آنها **در نهایت همگام با آمریکا و اروپا در برابر ایران صف خواهند کشید.** باید فراموش نکنیم که اگر روزی روس ها مجبور شوند کارت های خود را رو بازی کنند، این ملت ایران است که تنها بازنده بازی خواهد بود زیرا که باید باور کنیم ما (ایرانیان) و آنها (روس ها) در اوج تضاد منافع ملی قرار داریم.

به هر رو آنگونه که تاکنون مطرح شده است ایران صراحتاً طرح روسیه را مورد تایید قرار نداده است ولی در عین حال امیدواری نسبت به پذیرش آن را نیز زنده نگه داشته و مهم ترین هدفی که از این راهکار دنبال می کند شاید دفع وقت است که آن هم روزی روشن می شود، ساده انگاری است اگر فکر کنیم در برابر این سیاست ایران، آمریکا و اروپا بیکار خواهند نشست. بلکه تمام تلاش خود را متمرکز کرده اند تا با ایجاد جبهه ای یگانه ایران را بر سر یک دو راهی قرار دهند که ثمره ی نداشتن دیپلماسی درست و ملی و نداشتن برنامه ای ملی و دراز مدت بوده است. به عبارت دیگر و به این ترتیب ایران یا باید طرح ضد ملی مشارکت با روسیه و غنی سازی در آنجا را بپذیرد و از غنی سازی در خاک خودمان صرف نظر کند، یا آن که با پافشاری بر غنی سازی در خاک خود آماده ی رویارویی با جامعه جهانی شود که هر دو مصیبت است. این همان دو راهی چه کنیم است؟ که به علت اعتماد به روس ها و در اثر دیپلماسی غلط کاربدستان جمهوری اسلامی، ملت ایران را با آن مواجه کرده اند و با طنابشان به چاه رفتند و با شعارهای میان تهی گذران زندگی و هدر دادن مزیت های طبیعی و سیاسی و فرصت سوزی ها مشغول هستند که مزید بر این بی سیاستی ها، اظهارات گاه و بی گاه برخی مقامات کشورمان است که در داخل عوام فریبانه و در خارج دشمن بر انگیز است که تبدیل به بحرانهای مقطعی شده است و در توفیق آمریکا در تحمیل و القای سوءظن خود به جامعه جهانی بی تاثیر نبوده است، به طوری که تا چند ماه پیش دولت آمریکا در نظر به لزوم ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت تنها بود ولی تحولات اخیر، شعارها، سخنان تحریک آمیز و سنسجیده ی کاربدستان سبب شد تا اروپا را که تا آن زمان مذاکره را بهترین راه حل می دانست به موضع آمریکا نزدیک کند. به این ترتیب جذب اروپا به دایره همفکران آمریکا هنوز پایان کار دولت آمریکا نیست، بلکه تمام تلاش خود را برای اقباع روسیه و چین که روابط نزدیک تری با ایران داشتند، آغاز کرده است. لازم است گفته شود بر خلاف تفسیر برخی تحلیل گران مدافعه گو و نان به نرخ روز خور، روابط ایران با روسیه و چین نه تنها استراتژیک نیست بلکه و حتی این روابط راهبردی نیز محسوب نمی شود. **وقتی ایران و روسیه بر سر تقسیم دریای مازندران دارای منافع متضاد هستند، برای نفوذ در آسیای میانه و قفقاز با یکدیگر رقابت دارند و حتی ذهنیت و سابقه تاریخی ملت ایران از روس ها خصمانه و متجاوزانه بوده و هست، نمی توانند حتی روابطی دوستانه با او برقرار کنند.** چینی ها نیز گرچه تضاد منافع شخصی با ایران ندارند اما آنها تنها قصدی که دارند، از ایران به عنوان تامین کننده ی انرژی و یک بازار بی درو پیکر بی حساب و کتاب کالاهای چینی (به قیمت نابودی تولید ملی) استفاده می کنند. به هر روی، اگر ایران کلیات طرح روسیه را بپذیرد حرکتی ضد ملی، ضد استقلال و تحقیرآمیز را مرتکب خواهد شد که بسیار خطرناک است زیرا طرح روسها مصداق بارز "**به مرگ می گیرند تا به تب راضی شود**" است. سلب حق غنی سازی مستقلانه در خاک ایران موضوعی است که نه تنها از پروتکل الحاقی که از معاهده MPT نیز فراتر است، با این وجود هزاران مرتبه بهتر از آن است در خاک روسیه به این اقدام دست یازیم و وابستگی خود را به خرس خفته بیش از پیش کنیم. ولی متأسفانه در سایه عملکرد کاربدستان اوضاع به گونه ای در آمده است که کاربدستان خود را ناگزیر از تن دادن به این تحقیر کرده و برای رد گم کردن از این شکست در شعارهای همیشگی خود به عنوان پیروزی یاد کنند که در صورت قبول، خیانتی است که از عاقبت آن بی خبرند. اما اگر طرح روسیه را ایران بپذیرد آنگاه ایران قراردادهایی با روس ها دارد که گاه به یک میلیارد بالغ می شوند. این قراردادهای برای روسها بسیار پرسود است زیرا روس ها حداکثر اجحاف را در حق ایران روا داشته اند و ایران باز ناگزیر از پذیرش آنها بوده است. از آن جمله مسکو مهم ترین تامین کننده سلاح ایران است زیرا به علت تحریم های آمریکا و اروپا، ایران چاره دیگری ندارد جز رویکرد به روسیه. به دیگر سخن روس ها به خوبی می دانند که متأسفانه در اثر عدم درایت در بسیاری موارد حق انتخاب دیگری جز روسیه وجود ندارد. این اطمینان خاطر به آنها (روس ها) آن جسارت را می دهد که از موضع قدرت با ایران برخورد کنند. خالی از لطف نیست اگر بدانیم حجم معاملات آمریکا با روسیه از دهها میلیارد دلار افزون است و شرکتهای آمریکایی بزرگترین سرمایه گذاران در روسیه هستند. با این توصیف اگر ما به جای روس ها بودیم کدام طرف را انتخاب می کردیم: آمریکا یا ایران؟ و در مورد چین هم همین ملاحظات با اندکی تغییر صادق است و البته چین برای تداوم رشد اقتصاد خود بیش از روسیه به آمریکا نیازمند است. باید به این باور برسیم **که کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من.** تردید نکنیم که آمریکا هم برای روسیه و هم چین رقیب و تهدید محسوب می شود، ولی اگر قرار باشد این دو کشور در موردی آمریکا را به چالش بکشند، قطعاً آن مورد ایران نخواهد بود، پس دل خود را به کمک های اینان و وعده های آنها خوش نداریم که صداقت ندارند.

به منبع الهام ملت باید روی آورد که در چنته ی هیچ بیگانه ای آزادی و استقلال میهن یافت نمی شود.

حاصل آنکه: از عملکرد روسها و مکر انگلیس ها در درازای تاریخ مان بیاموزیم. از مصائبی که به سرمان آورده اند، پند گیریم و بدانیم در شرایطی که به وجود آورده اند غنی سازی که حق مسلم ما و هر ملتی است موقتاً تحت شرایطی دست بکشیم، هزاران بار بهتر و بیشتر به سود و صلاح ملت است تا این که رگ زندگی خود را به دست بیگانه ی آزمندی با سابقه ی آزمندی روشن بدهیم و خود را از ترس افعی به دامان عقرب جراره بیافکنیم که دویست سال است در آرزوی چنین روزی لحظه شماری می کنند.

هم میهنان! ما بر این باوریم از آنجا که دیپلماسی جمهوری اسلامی واکنشی لحظه ای، بی برنامه و غیر قابل اعتماد است و تاکنون رشد دهنده ی بی ثباتی بوده است، در دقیقه نود از مواضع احساسی خود باز پس خواهد نشست و برای این که شکل حق طلبانه و توجیهی به راه رفته خود بدهد باز با پاره ای شعارهای عوام فریبانه این برگشت را حتماً صلح انقلابی وانمود خواهند کرد.

اما چه کسی پاسخ این همه خسارت ها و فرصت سوزی ها را خواهد داد؟ آیا اگر به جای سرکوب و انحصارطلبی، درایت و خرد جمعی راهنمای کاربردستان بود، آن صحنه سازبها و عوام فریبی های پرهزینه ضرورت داشت؟ به راستی چه پاسخی برای ملت شریف ایران در برابر این همه نابسامانی ها و غرور ملی تحقیرشده اش در سطح جهان دارند؟

ما تنها راه برون رفت از وضع موجود را بازپس دادن همه حقوق ملت به مردم به دور از هرگونه خشونت و تبعیض و استقرار حکومتی مردم سالار و حاکمیت ملی می دانیم.

برقرار باد حاکمیت ملی پایندان سامانی مردم سالار

برچیدن زندان سیاسی یک خواست ملی است

دبیر خانه حزب ملت ایران

تهران ، ۱۵ بهمن ۱۳۸۴ خورشیدی